

بررسی فقهی و حقوقی خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی^۱

محمد مهدی زارعی*

سید مهدی جانعلی نژاد**

چکیده

داد و ستد الکترونیکی به واسطه ابزارهایی مثل تلگرام، پست الکترونیکی، اینترنت و ... امکان‌پذیر است. علیرغم تعلق خیار رؤیت به معاملات سنتی، به دلیل تأمین خواسته‌های متعاملین از یک سو و تابعیت حکمی معاملات الکترونیکی از معاملات سنتی از سوی دیگر، جریان خیار مذکور در بخش‌هایی از معاملات الکترونیکی نیز مسلم دانسته شده است. در قانون مدنی قانونگذار موادی را برای خیار رویت اختصاص داده است و به موازات آن در حمایت از طرفین این نوع از معاملات به ویژه مصرف‌کننده قوانین تجارت الکترونیکی نیز وضع شده است. این پژوهش در پی آن است به صورت مشخص جهات مختلف وقوع خیار رؤیت و تخلف وصف در معاملات الکترونیک را همراه با تبیین قلمرو آن ذیل برخی مسائل مرتبط با آن بررسی نماید و در آخر به این نتیجه رسیده است که امکان وقوع خیار رؤیت از جهاتی در این نوع معاملات وجود دارد و از جهاتی دیگر غیر ممکن می‌باشد. این تفاوت به «توصیف» و «تأمین کالا» در فضای مجازی بستگی دارد. بدین صورت که اگر با ابزارهای مستقل از رایانه و اینترنت مانند تلفن، تلگراف، پیامک و ... معامله مذکور با توصیف محقق شود می‌توان از خیار رویت استفاده کرد ولی اگر از طریق ابزارهای دیگر الکترونیکی مثل اینترنت اعم از ویدئوکنفرانس، ایمیل، چت، وب سایت‌ها و ... باشد خیار، خروج تخصصی خواهد داشت. هرچند که به لحاظ «تأمین کالا» قابلیت اجرایی خیار رؤیت به شرط عدم اشتراط معامله به مسقطات خیار در این دسته از ابزارها نیز وجود دارد.

کلید واژه‌ها: خیار رویت، معاملات، الکترونیکی، اینترنت، مسقطات.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

m.zarei@umz.ac.ir

** کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۱- طرح مسأله

امروزه انجام الکترونیکی معاملات، عرصه‌های مختلف و متعددی را به روی مردم گشوده است که محدود به زمان و مکان یا مرزهای جغرافیایی نبوده و متعاملین می‌توانند در اقصی نقاط عالم با فاصله‌های طولانی از یکدیگر به خرید و فروش کالاهای خود بپردازند. علی‌رغم وجود تسهیلات و نقاط مثبت در این روش و آسان شدن نقل و انتقالات کالا و ثمن به طرفین، محدودیت‌هایی از قبیل عدم رؤیت مبیع توسط متقاضیان وجود دارد که در بسیاری از مواقع موجب زیان آنان می‌شود. البته وجود قوانین و مقررات در خصوص تجارت غیر الکترونیکی مثل خیارهای چندگانه در بیع موجب جبران ضررهای ناشی از محدودیت‌های پیش گفته شده است اما در خصوص تجارت الکترونیکی موضوع رؤیت مبیع و نحوه اعمال خیار رویت در صورت تخلف وصف و یا جنبه‌های دیگر آن مسأله همواره از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. لذا به منظور حمایت‌های قانونی متقاضیان در پیشگیری و یا جبران ضررهای ناشی از عدم رویت مبیع و نیز بررسی فقهی و حقوقی عوامل تأثیرگذار در اعمال خیار رویت در تجارت‌های الکترونیکی تحقیقات گسترده‌ای را می‌طلبد. از این رهگذر پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران به این موضوع پرداخته است لذا برای تبیین جایگاه قانونی و مبانی خیار رویت در معاملات الکترونیکی گفته شده در صورتی که کالا و یا خدمات ارائه شده خارج از تعهد ارائه‌دهنده آن باشد مصرف‌کننده می‌تواند با اعمال خیار رویت مبنی بر تخلف وصف معامله را فسخ کند و با استناد به حدیث لاضرر و تنقیح مناط از برخی روایات، جریان خیار رویت را در معاملات الکترونیکی نیز مشروعیت ببخشد.

۲- معنای معامله الکترونیکی - خیار رویت

۲-۱- معامله

همان داد و ستد، مبادله، خرید و فروش، حرفه و کسب است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۴۴) راغب معامله را اعم از بیع می‌داند چون معامله خرید و فروش است ولی بیع فقط به معنی فروش می‌باشد و می‌گوید: بیع دادن جنس و اخذ قیمت و شراء دادن قیمت و گرفتن جنس است، گاهی به فروختن، شراء و بخردن، بیع اطلاق می‌شود. علی‌هذا بیع به معنی یک طرف معامله است فروختن یا خریدن (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲، ۱۵۵). ولی از بعضی آیات ظاهر می‌شود که گاهی بیع در مطلق خرید و فروش بکار می‌رود نظیر «مِنْ قَبْلِ

أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ» (بقره، ۲۵۴). چنانکه صاحب مجمع البیان آن را تجارت معنی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۶۲۴).

۲-۲- الکترونیکی

این کلمه از الکترون گرفته شده است و مقصود از آن آرایش نوینی در ارتباطات می باشد و وقتی که بوسیله آن کلمه معامله یا تجارت توصیف می شود منظور شبکه اینترنت می باشد. همان خرید و فروشی که در فضای مجازی به وسیله ابزارهای الکترونیکی مختلف نظیر وب سایت، پست الکترونیکی، ویدئوکنفرانس، چت، تلگرام و... انجام می گیرد که به آن (Electronic commerce) معامله یا تجارت الکترونیکی گفته می شود. ولی اینترنت به نوعی شایع ترین وسیله انعقاد قرارداد الکترونیکی است. به وسیله آن، تبادل اطلاعات خرید و فروش و اطلاعات لازم برای حمل و نقل کالاها با زحمت کمتر و تبدلات بانک با یکدیگر، با شتاب آنها ساده تر و سریع تر صورت می گیرد. ارتباط فروشندگان با مشتریان می تواند به صورت یک به یک یا هر مشتری باشد؛ البته با هزینه نه چندان زیاد (نیکبخش و صابری، ۱۳۸۰، ۴). یا به تمام ابعاد و فرآیند بازار را که بتوان با اینترنت و تکنولوژی شبکه وب انجام داد، تجارت الکترونیکی می گویند (زرگر، ۵۲؛ صناعی، ۵) به تعبیری تجارت الکترونیکی شامل تمام جنبه های استفاده از فناوری اطلاعات در تجارت است که خرید و فروش، ارائه خدمات به مشتریان و سر و کار داشتن با دست اندرکاران تجارت را شامل می شود (علی پور، ۴۷). گویا در تجارت الکترونیکی، اطلاعات، محصولات و خدمات از طریق شبکه های ارتباطات رایانه ای خرید و فروش و از یارانه ای به یارانه دیگر منتقل می شوند، ولی در مبادله الکترونیکی داده ها یعنی تولید، پردازش، کاربرد و تبادل اطلاعات و اسناد به شیوه های الکترونیکی و خودکار میان نظام های یارانه ای بر اساس زبان مشترک و استانداردهای مشخص و با کمترین دخالت عامل انسانی است (نیکبخش و صابری، ۱۳۸۰، ۴۴).

۲-۳- خیار

در لغت: «اسم مصدرٍ من الاختیار...» (ابن منظور، ۴، ۱۴۱۴، ۲۶۷) که کلمه خیار اسم مصدر و مفید اختیار است (نجفی، ۱۴۰۷، ۵). أَنْتَ بِالْخِيَارِ، یعنی اختیارکن چیزی را که می خواهی (فیض، ۱۳۸۲، ۳۲۶). در اصطلاح فقهی از قول برخی از فقها آمده است: «مِلْكٌ إِقْرَارُ الْعَقْدِ وَإِزَالَتُهُ بَعْدَ وَقُوعِهِ مُدَّةً مَعْلُومَةً» (نجفی،

۱۴۰۴، ۲۳، ۳). یعنی خیار، تسلط بر اقرار عقد و یا ازاله آن است. شیخ انصاری آن را «مِلْک فسخ العقد» می‌داند یعنی عبارت از مالکیت و قدرت بر فسخ عقد (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۱۱-۱۲) و برخی دیگر خیار را حق سلطنت بر فسخ عقد بدون ضمان می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۰، ۲، ۵۹). در نزد حقوق‌دانان به همان تسلط قانونی شخص در اضمحلال عقد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۲۶۶) یا اختیاری که قانون به یک طرف یا هر دو و یا شخص ثالث برای فسخ قرارداد می‌دهد (صفایی، ۱۳۸۵، ۲۷۲) گفته می‌شود.

۲-۴-رؤیت

مصدر رأی، به معنای: دید، نگاه، نگرش و معاینه، بازدید، واریسی (قیم، ۱۳۸۴، ۵۰۸)، برخی از لغویین آن را دیدن و نگاه کردن بوسیله چشم و قلب می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۴، ۲۹۱)، حقیقت رؤیت، ادراک مرئی شیء دیده شده بوسیله چشم است (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۳، ۶۷۶) که در اینجا اشاره به حس بینایی در نزد عرف داشته که نسبت به معانی دیگر مثل رؤیت به واسطه تفکر مانند آیه: «إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ...» (انفال، ۴۸) یا رؤیت بوسیله عقل مثل آیه: «مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (نجم، ۱۱) و یا رؤیت به واسطه وهم و تخیل مانند آیه: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا و...» ظهور بیشتری دارد (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۷۴).

بنابراین خیار رؤیت در اصطلاح عبارت است از: تسلط هریک از بایع و مشتری بر فسخ عقدی که بر عین شخصی غایب با توصیفی که رافع جهالت و غرر بوده باشد معامله نموده و عین را در هنگام تحویل خلاف وصف بیابند به این صورت که اگر فاقد اوصاف غیراساسی، خیار رؤیت برای مشتری و اگر واجد اوصاف بیشتری نسبت به آنچه را که وصف شده بود و بایع علم به آن نداشت، باشد خیار رؤیت برای بایع است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۸، ۴۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۹۳). لذا سبب خیار رؤیت، دیدن کالا بر خلاف آنچه را که طرفین شرط کرده بودند می‌باشد (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۴۵). بنابراین اگر بیع کالایی با توصیفی که مسبوق به دیدن نباشد محقق شود ولی در زمان مشاهده یا تحویل خارج از وصف قبلی باشد محل اعمال خیار رؤیت است. هر چند که برخی، خیار رؤیت را غیر از خیار تخلف وصف دانسته‌اند (امامی، بی‌تا، ۱، ۴۹۴) اما یکسان بودن خیار رویت و تخلف وصف در احکامشان موجب شده است فقها هر دو را تحت عنوان «خیار رؤیت» مطرح نمایند؛ زیرا علاوه بر یکسانی حکم در هر دو مورد، رؤیت بعدی است که سبب ایجاد خیار می‌گردد چه آنجا که به وصف بخرد و یا براساس رؤیت سابق (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۵، ۱۸۲-۱۸۳؛

طاهری، ۱۴۱۸، ۴، ۱۳۶). با توجه به آنچه آمد منظور از خیار رویت در معاملات الکترونیکی عبارت است از جایی که داد و ستد یا خرید و فروش یک کالا بواسطه ابزارهای الکترونیکی با توصیف واقع شود ولی در زمان دریافت، کالای مورد نظر فاقد وصف مذکور باشد در این صورت برای هریک از متبایعین خیار رویت ثابت است. و چون این معامله عیناً و وصفاً به صورت الکترونیکی واقع شده است بالتبع خیار مذکور نیز به همان خیار رویت در معاملات الکترونیکی نامگذاری می‌شود.

۳- جایگاه قانونی و مبانی خیار رویت در معاملات الکترونیکی

ماده ۴۱ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد در صورتی که تأمین‌کننده، «کالا یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد» را برای مخاطب ارسال نماید، کالا و یا خدمات مذکور، ارجاع داده می‌شود و «هزینه ارجاع» به عهده تأمین‌کننده است. در همین راستا ماده ۴۱۳ قانون مدنی نیز بیان می‌دارد: «هر گاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و به اعتماد رویت سابق معامله کند و بعد از رویت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت» براساس مستفاد این ماده در خصوص معامله الکترونیکی نیز می‌توان گفت اگر یکی از متبایعین در معامله الکترونیکی، اوصاف کالایی را قبلاً در صفحه مجازی یا برخی از ابزارهای الکترونیکی رویت نموده باشد و برآن اساس به صورت الکترونیکی معامله انجام دهند و پس از آن معلوم گردد که مال مزبور آن اوصاف سابقه را ندارد خیار رویت برای او ثابت شده و در نتیجه حق فسخ خواهد داشت. ضمن اینکه عبارات «کالا و یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد» و «ارجاع و هزینه ارجاع» که صراحتاً در ماده ۴۱ بکار رفته و آن را به عهده تأمین‌کننده کالا می‌گذارد نشان‌دهنده آن است که کالای مورد نظر فاقد وصف سابق بوده و این خود بیانگر خیار رویت است. لذا براساس مستفاد فوق‌الذکر از ماده ۴۱۳ قانون مدنی، فقدان وصف کالا موجب شده تا رویت‌کننده اعمال خیار رویت کرده و آن کالا را بر مبنای ماده ۴۱ قانون تجارت الکترونیکی به صاحبش «ارجاع» دهد. فقها هم معتقدند اگر مشتری کالا را فاقد اوصاف «کلاً» یا «بعضاً» مشاهده نماید و یا برخلاف آنچه را که طرفین «شرط کرده» بودند باشد خیار رویت برای وی ثابت است (صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۲۷۰). لذا می‌توان گفت اگر در معاملات «کالا و یا خدمات» از سوی تأمین‌کننده غیر از موضوع مورد معامله و یا خارج از تعهد وی باشد، مصرف‌کننده می‌تواند با استناد به تخلف از وصف و خیار رویت معامله را فسخ کند (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ۱۸، ۲۸؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۲۷۰) و این حکم به دلایلی که ذیلاً ذکر می‌گردد شامل

معاملات الکترونیکی و مجازی هم می‌شود: ۱- اطلاق حدیث لاضرر این مورد را نیز شامل می‌شود، چون به نظر اکثر فقهاء قاعده لاضرر دلیل خیار رؤیت به شمار می‌رود. به این مفهوم که در زمان مشاهده و یا تحویل کالا در صورت تخلف وصف اگر ما قائل به لزوم بیع شویم مشتری ضرر خواهد کرد که با وجود حدیث نفی ضرر، لزوم مذکور متزلزل شده و در نتیجه خیار رؤیت ثابت می‌گردد (انصاری، ۱۴۲۸، ۵، ۵۴۲؛ طباطبائی، ۱۴۰۴، ۶۲۵؛ نجفی، ۱۳۷۶، ۷۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۸، ۳۲) و این ملاک در معاملات الکترونیکی هم وجود دارد. یعنی اطلاق آن، ضرر ناشی از معاملات الکترونیکی را نیز شامل می‌شود. از سوی دیگر با توجه به معنای ضرر و ضرار که عبارت است از نقص در مال و منفعت و حق در معاملات الکترونیکی نیز همین معنا صادق بوده و مشمول نفی قرار می‌گیرد وانگهی از آنجایی که قاعده لاضرر مستند به دلیل عقلی بوده و عقل نیز هرگونه ضرر را قبیح می‌داند لذا نباید فرقی بین ضرر ناشی از فقدان وصف و رؤیت در معاملات الکترونیکی و غیر آن وجود داشته باشد. ۲- بنای عقلا و ارتکازات عرفی نیز اقتضاء نمی‌کند که با عدم الغای خصوصیت فقط قائل به وجود ضرر در معاملات سنتی و غیرالکترونیکی باشیم بلکه با عدم ردع شارع و بنای عقلا باید وجود ضرر ناشی از تخلف وصف در معاملات الکترونیکی را نیز پذیرفت. همانطور که می‌توان به حکم بنای عقلاء و ارتکاز مذکور در مصادیق دیگر مرتبط با فضای مجازی و یا اینترنتی از قبیل افساد فی الارض اینترنتی و یا سرقت اینترنتی الغای خصوصیت کرده و قائل به عدم فرق بین جرائم حدی سنتی و اینترنتی باشیم (ایزدی فرد و حسین‌نژاد، بی‌تا، ۴۴، ۴۵). شایان ذکر است که اعتبار بنای عقلا در شرع مقدس مبتنی بر احراز عدم ردع نیست، به این معنا که لازم نیست دلیل خاصی از سوی شارع مقدس در تأیید خیار رویت در معاملات الکترونیکی وجود داشته باشد، بلکه با توجه به روش قانون‌گذار اسلامی، همین که چیزی مورد تأیید عقلا باشد، او نیز همان را تأیید می‌کند مگر این که دلیل خاصی بر منع آن باشد. ۳- اینکه بگوییم متبادر از رؤیت و تخلف وصف تنها معاملات سنتی نبوده بلکه اعم از سنتی و الکترونیکی است، عدم صحت سلب دارد و عدم صحت سلب نیز از علائم حقیقت بوده لذا نمی‌توان گفت در معاملات سنتی خیار رویت وجود دارد ولی در معاملات الکترونیکی وجود ندارد. ۴- از طریق تنقیح مناط یا اتحاد طریق در برخی از روایات، می‌توان مشروعیت جریان خیار رویت در معاملات الکترونیکی را نیز استنباط نمود. مانند روایت مربوط به برخورد امام علی (ع) با فروشنده‌ای که بسته‌ای از خرما را فروخته بود در حالی که پس از رویت مشتری مقداری از آن پست درآمده و امام (ع) فروشنده را مجبور به بازگرداندن بهای خرما به مشتری نموده‌اند. یعنی اگر ملاک و مناط ارجاع مقداری از خرما در

بسته‌ی آن به جهت رؤیت، موجب پس‌دادن آن به خرمافروش و در نهایت باعث اعمال خیار رؤیت شده است، همان مناط می‌تواند موجب اثبات خیار مذکور در معاملات الکترونیکی نیز بشود. چون موضوع تأمین یا عدم تأمین تعهدکننده کالا در هر دو مورد یکی است. بنابراین ویژگی اینترنتی و یا الکترونیکی بودن معامله نمی‌تواند موجب سلب اعمال خیار رؤیت در آن بشود. همانگونه که به واسطه تنقیح مناط که از جمله اصول لفظیه است برخی صاحب نظران در قلمرو مباحث اینترنتی مثل افساد فی الارض اینترنتی قائل به اجرای حد بر مفسد فی الارض اینترنتی شده‌اند (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، بی‌تا، ۴۴، ۵۱).

علاوه بر آنچه آمد، از اطلاق ادله در باب خیار رویت نیز می‌توان استفاده کرد و آن را در معاملات الکترونیکی جاری دانست. زیرا هرچند که مورد روایات (چنان که آمد) خیار رؤیت در معاملات غیرالکترونیکی است اما این امر فی‌نفسه موضوعیت نداشته بلکه به دلیل کثرت مصداق بوده است. وانگهی ائمه (ع) در بیان احکام، این گونه نبوده که در مقام بیان خصوصیات واقع به همان صورتی که هست، باشند که تنها در این صورت با توجه به انعقاد اطلاق برای کلام، عدم ذکر می‌تواند کاشف از عدم وجود و به تبع آن افاده اختصاص کند، بلکه ائمه (ع) در این روایات (و روایات دیگر) تنها در مقام حکایت حیثی واقع و اصل حکم بدون در نظرگرفتن خصوصیات واقع به همان صورتی که هست بوده‌اند و این به مقتضای وظیفه هدایت‌گری امام (ع) نسبت به نسل‌های زمان خود و نسل‌های آینده است.

۴- قلمرو خیار رویت در معاملات الکترونیکی

۴-۱- خیار رویت در معاملات الکترونیکی اختصاص به عقد بیع ندارد و این سخن بر مبنای نظر فقهای پیاست که گفته‌اند خیار رویت علاوه بر بیعدر عقود لازم دیگری که موضوع آن عین شخصیه موصوفه باشد مثل صلح و اجاره هم جاری و ساری است (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۶۶). حتی ممکن است در عقدهای لازم دیگری که مشاهده و وصف در آن شرط نیست نیز ثابت باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۹۷). به ویژه مطابق نظر برخی از فقهای معاصر که معتقدند اگر مدرک این خیار حدیث لاضرر باشد برای کل عقود ثابت است (روحانی، ۱۴۲۹، ۶، ۷۲) این قضیه در ماده‌ی ۴۵۶ قانون مدنی نیز منعکس شده است. اگرچه برخی از فقها مانند امام خمینی خیار رؤیت را مختص بیع می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۱، ۴، ۶۶۷). پس در معاملات الکترونیکی اجرای خیار رویت برای سایر عقود هم مانعی ندارد و آن عبارت است از یافتن منابع، انجام ارزیابی، مذاکره کردن، سفارش، تحویل، پرداخت و ارائه خدمات پشتیبانی است که به صورت الکترونیکی به روشی که بر

اساس آن اطلاعات، محصولات و خدمات از طریق شبکه های ارتباطات کامپیوتری خرید و فروش می‌شوند (زرگر، ۱۳۸۰، ۷۶). بنابراین می‌توان در فضای مجازی عقودی مثل اجاره را انجام داد و کالایی با خصوصیات نرم‌افزاری را با انجام توصیف و تبلیغ در اینترنت اجاره داد مانند اجاره بازی‌های کامپیوتری و فیلم‌های آموزشی و یا اجاره مطالب علمی در فضای مجازی، که مستأجر بعد از دریافت عین مستأجره در صورتی که آن را مطابق با توصیف نبیند به واسطه خیار رؤیت می‌تواند عقد اجاره را فسخ کند.

۴-۲- فقها براین عقیده اند که خیار رؤیت برای کسی که ندیده و به وصف معامله نماید یا اینکه دیده و به رویت سابق معامله نماید و این شامل مشتری و بایع، هردو است (عاملی، ۱۴۲۷، ۴، ۵۹۴؛ حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۹؛ شاه‌رودی، ۱۴۲۶، ۳، ۵۴۶؛ خمینی، ۱۴۲۱، ۴، ۶۳۷). بنابراین خیار رؤیت و تخلف وصف برای بایع نیز ثابت است. در تسری این حکم به معاملات الکترونیکی باید گفت در فضای مجازی اگر معامله کالا به کالا باشد مانند فروش بازی‌های رایانه‌ای در مقابل یک نرم افزار آموزشی یا کتاب الکترونیکی، چون هردو کالا هستند برای هر یک از بایع و مشتری در صورت تخلف وصف خیار رؤیت وجود دارد، اما اگر معامله به صورت مبیع در مقابل ثمن باشد متفاوت است، چون در فضای مجازی مبیع یا نرم افزار است (با شیوه انتقال برخط یا آنلاین) و یا غیر نرم افزار (با شیوه انتقال سنتی) که وقوع خیار رویت در هردو حالت امکان‌پذیر است. پس در یک طرف بیع یعنی، برای مشتری همیشه امکان وقوع خیار وجود دارد، اما در رابطه با بایع که ثمن را به شیوه‌های الکترونیکی با کارت‌های اعتباری و یا پول الکترونیکی به صورت آنلاین دریافت می‌کند امکان بروز خیار رویت و تخلف وصف برای بایع وجود نخواهد داشت. چون از یک سو مشکل سکه یا اسکناس‌های فضای فیزیکی را ندارد و از سوی دیگر امروزه عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات در فضای وب سایت‌ها جهت فروش اجناس خود در فضای مجازی برای پرداخت، شرایطی را معمولاً قرار می‌دهند که مطابق توصیف و خواست آنها باشد برای اینکار فرمی را در صفحات فروش خود آماده می‌کنند و در آن نوع پول و مقدار و جنس مبلغ همراه با شماره حساب و اطلاعات مشتری می‌باشد که مشتری فقط در صورت پرداخت کامل پول و صحیح وارد کردن اطلاعات مجاز به تحویل مبیع می‌شوند بنابراین با توجه به این موضوع به همین خاطر است که قانون‌گذار در قانون تجارت الکترونیکی ایران یک فصل کامل یعنی مواد ۳۱ تا ۴۹ این قانون را برای حقوق مصرف‌کننده (مشتری) قرار داده است.

۳-۴- می‌توان گفت اعمال خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی نسبت به «موضوع عقد»، همان ملاک اعمال خیار در بیع عین شخصیه موصوفه (حاضر یا غائب) می‌باشد که مورد تأکید فقها است (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۹۲-۹۳؛ حلی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۷۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۱، ۴۳۴؛ عاملی، شهیداول، ۱۴۱۰، ۱۱۹؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۲، ۷۶؛ نراقی، ۱۴۲۵، ۱۳۵). حقوقدانان نیز با رویکرد فوق قائل به اعمال خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۱، ۴۸؛ طاهری، ۱۴۱۸، ۴، ۸۶؛ کابلی، بی‌تا، ۲، ۱۵۸). پس برای آنکه به دنبال بهره‌مندی از حق خیار رویت در فضای مجازی باشیم باید مصادیق آن را در بیع عین شخصیه غایب بیابیم، همانگونه که قانونگذار در ماده‌ی ۴۱ ق.ت.ا. با ذکر واژه «موضوع مورد معامله» به نوعی از عین مشخص و معین بحث می‌نماید: «در صورتی که تأمین‌کننده، کالا یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد را برای مخاطب ارسال نماید کالا و یا خدمات ارسالی ارجاع داده می‌شود...». اما نکته‌ای که در این نوع از معاملات وجود دارد این است که تعیین ویژگی‌های عین شخصیه در فضای مجازی بستگی به ابزارهای انجام قراردادهای الکترونیکی و نحوه‌ی تأمین و انتقال کالا نیز دارد که می‌توان آنها را به دو گروه: ۱- ابزارهای مستقل از رایانه و اینترنت ۲- ابزارهای متعلق به رایانه و اینترنت تقسیم نمود. صورت اول مانند تلفن، اعم از خانگی و همراه، تلگراف، پیامک تلفنی، فاکس؛ با هریک از این ابزارها بایع می‌تواند کالا را برای خریدار توصیف نماید و خریدار هم طبق توصیف‌های او معامله نماید، در زمان مشاهده و در صورت تخلف وصف می‌تواند طبق ماده‌ی ۴۱۰ قانون مدنی از خیار رویت استفاده نماید. برای مثال شرکت ایرانسل با مشترکین خود تماس می‌گیرد که مثلاً فلان سیم‌کارت با فلان ویژگی به علاوه سیم‌کارت هدیه و ... با فلان قیمت را ایجاب می‌نماید و در صورت قبول مشتری، مأمور شرکت، سیم‌کارت را به در منزل مشتری می‌آورد، در نهایت مشتری با مشاهده سیم‌کارت اگر آن را مطابق با وصف نیافت می‌تواند از خیار رؤیت استفاده نماید. صورت دوم مانند: اینترنت و توابع آن مثل چت، ویدئو کنفرانس، پست الکترونیکی یا ایمیل، و وبسایت‌های عرضه‌کننده کالا و خدمات که در واقع اینترنت سرآمد همه اینها بوده، بدیهی است که این موارد به خاطر تعلق به سیستم کامپیوتری و اینترنت از امکانات فنی پیچیده‌تری برخوردار هستند، چون با بکارگیری گرافیک بالا، امکانات فنی پیشرفته، ایجاد تصاویر چند بعدی، فیلم‌های توصیفی، تبلیغات وسیع سمعی و بصری و ... برای خریدار ایجاد اطمینان می‌کند. البته ممکن است در چنین حالتی این اشکال مطرح شود که مسأله از مقام اعمال خیار خارج می‌شود، چون اولاً مطابق ماده‌ی ۴۱۰ ق.م.وصفی صورت نگرفته بلکه گویا خریدار کالا را در

مقابل خود مشاهده می‌نماید و تصمیم به خرید آن می‌گیرد لذا می‌توان گفت خیار رویت تخصصاً از مفهوم رویت ماده‌ی ۴۱۰ خارج است. ثانیاً براساس ماده‌ی ۴۱۳ ق.م. رویت سابقی هم وجود ندارد تا براساس آن در صورت خلاف، اعمال خیار رویت شود. چون در اینجا مشاهده مال در وب سایت مشاهده سابق نیست بلکه در همان زمان است که به صورت آنلاین می‌تواند معامله نماید و از طرفی برای مشتری این امکان برایش فراهم است که مال را با تمام ویژگی‌هایش در وب سایت مشاهده نماید و از جزئیات آن با خبر شود. بنابراین اعمال خیار رویت در معاملات الکترونیکی مواجه با اشکال است. اما می‌توان پاسخ اشکال فوق را در مواد قانونی مندرج در قانون تجارت الکترونیکی یافت، چون قانون‌گذار در قانون تجارت الکترونیکی در ماده‌ی ۳۳ این قانون در بند الف این طور بیان نمود که فروشندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات بایستی اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند لذا در بند الف گفته «مشخصات فنی و ویژگی‌های کاربردی کالا و یا خدمات» و در ماده‌ی ۴۰ نیز بیان می‌دارد: تأمین‌کننده می‌تواند کالا و یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف‌کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشروط به اینکه قبلاً از معامله یا در حین انجام معامله آن را اعلام نموده و در واقع این ماده اشاره به این دارد که تأمین‌کننده در صورت عدم اجازه یا شرط قبل از عقد به هیچ‌وجه نمی‌تواند غیر از کالای مورد نظر خریدار را به او تحویل دهد و خلاف قانون است و همچنین در ماده‌ی ۴۱ نیز در این خصوص مسأله ارجاع و هزینه و نیز امکان قبول مخاطب را مطرح کرده که ناظر بر اعمال خیار رویت می‌باشد. نتیجتاً باید گفت اگر توصیف مبیع با ابزارهای ساده‌تر الکترونیکی باشد وجود خیار رویت در صورت تخلف وصف الزامی است اما اگر از ابزارهای رایانه‌ای و اینترنتی و امکانات فنی پیشرفته استفاده شود، باید به نحوه‌ی «تأمین» کالا توجه نماییم. پس اگر بعد تأمین کالا به صورت الکترونیکی انجام گیرد و به صورت آنلاین مستقیماً به دست مشتری برسد، در صورت تخلف، خیار رویت و تخلف وصف وجود ندارد. چون توصیف کامل و فنی کالادر عرصه الکترونیکی آن را از وصف خارج نموده و به رویت فعلی تبدیل کرده و از سوی دیگر تأمین کالا هم به تأخیر نیفتاده تا رویت سابق به حساب آید. در نتیجه مشتری خیار رویت ندارد. اما اگر «تأمین» به شکل غیرالکترونیکی انجام شود، به این صورت که از زمان معامله الکترونیکی تا تحویل کالا مدتی بگذرد مثلاً مشتری جنسی را به صورت الکترونیکی معامله کرده و تأمین‌کننده تعهد کرده بعد از ده روز آن را تحویل می‌دهد در این حالت در صورت تخلف از رویت سابقی که در اینترنت صورت گرفته است مشتری می‌تواند با استناد به خیار

رویت سابق معامله را فسخ نموده و همچنین بر اساس ماده‌ی ۴۱ قانون تجارت الکترونیکی حق انصراف خود را اعمال نماید.

۵- خیار رویت در معاملات الکترونیکی کلی

یکی از معاملات رایج در تجارت الکترونیک، معاملاتی است که گاه بخش عمده‌ای از آن به مبادله اموال و اجناس به طور کلی فی‌الذمه است. به نظر برخی از فقها (خویی، ۱۴۱۲، ۷، ۵۸) و در حقوق ایران (ماده‌ی ۴۱۴ قانون مدنی) در مبیع کلی خیار نیست از این رو هرگاه فروشنده در تجارت سنتی یا الکترونیکی مبیع کلی فی‌الذمه فاقد وصف معهود را به خریدار تسلیم نماید، خیار رؤیت یا همان خیار تخلف وصف وجود ندارد و خریدار یا باید کالای تسلیم‌شده را به همان صورت فاقد وصف بپذیرد و یا از فروشنده تقاضا کند که مصداق دیگری که واجد وصف معهود باشد به او بدهد.

به نظر می‌رسد نظریه فوق جای تأمل است زیرا اولاً زمانی که بایع مصداق کلی را تعیین و تسلیم نمود و بعد از بررسی خریدار متوجه شد که مصداق تعیین‌شده فاقد وصف معهود است، در حقیقت فروشنده با تعیین و تسلیم مصداق کلی، به تعهد خود عمل نموده و اگر مصداق تسلیم شده فاقد وصف باشد، شک می‌کنیم که آیا با وجود این که کالا به مالکیت خریدار درآمده باز هم فروشنده مکلف است تا مصداق دیگری تحویل نماید یا نه؟ از آنجایی که اصل بر عدم چنین تکلیفی و اصل بر برائت ذمه بایع از اجرای مجدد تعهد می‌باشد، لذا باید پذیرفت که بایع الزام و تکلیفی به تبدیل مصداق کلی ندارد، زیرا با تعیین مصداق، کل به عین معین تبدیل شده و به مالکیت خریدار درآمده است و اگر مصداق تسلیم شده، فاقد وصف باشد، باید مطابق فقدان وصف در عین معین عمل نموده و به خریدار حق فسخ، اعطا نمود (محقق حلی، ۱۴۱۲، ۲، ۵ و ۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۴، ۲۵۰).

ثانیاً در هیچ منبع فقهی یا حقوقی به این نکته اشاره نشده که دفعات تبدیل و تعویض کلی تا چه مقدار است و اینکه بایع تا چند بار مجاز است کالای فاقد وصف را تسلیم نماید و خریدار تا چند مرتبه مکلف است که بر تسلیم کالای غیر مطابق صبوری نموده و ابدال آن را تقاضا نماید. بنابراین گرچه می‌توان پذیرفت که هم در عین معین و هم در کل فی‌الذمه اراده و تراضی طرفین بر این بوده که فروشنده باید کالای واجد وصف را تسلیم نماید؛ اما هیچگاه نمی‌توان ادعا کرد که تعویض و تبدیل مصادیق کلی، متعلق قصد طرفین قرار گرفته زیرا اگر مشتری حتی برای یک لحظه تصور می‌کرد که فروشنده با ارائه

مصدق فاقد وصف می‌تواند سرنوشت عقد را به چنین نقطه نامعلوم و مبهمی بکشاند، هرگز حاضر به چنین معامله‌ای نمی‌شد و شاید راه حل دیگری برای رفع نیازهای خود جستجو می‌نمود. بنابراین نمی‌توان بیان داشت که تبدیل مصداق مبیع وارد قلمرو تراضی طرفین شده است. ثالثاً مشتری که به صورت کلی مالی را خریداری می‌کند، باید همواره خود را برای هرگونه ضرری آماده نماید زیرا هیچ محدودیت عددی یا زمانی برای بایع در تحویل مصداق و انجام تعهدش وجود ندارد. این بدین معناست که خریدار هیچ تضمینی برای دریافت به موقع مبیع نخواهد داشت که این امر مسلماً سبب تضرر خریدار خواهد بود. یکی از دلایلی که قائلین به عدم وجود خیار تخلف وصف (رؤیت) در کلی فی الذمه استناد نموده‌اند این است که چون با دادن بدل، ضرر مرتفع می‌گردد، حق فسخ وجود ندارد و مبنای خیار تخلف وصف را لاضرر می‌دانند. دقیقاً با توجه به همین مبنا باید پذیرفت که در کلی فی الذمه هم خریدار حق فسخ داشته باشد تا با این حق خود بتواند در برابر اختیارات نامحدود بایع در تحویل مصداق منطبق تضمینی در اختیار داشته و از ورود ضرر بیشتر به خود جلوگیری نماید.

۶- عدم فوریت اعمال خیار رؤیت

در معاملات سنتی مرحوم شیخ انصاری با تکیه بر ظاهر کلام اکثر اصحاب می‌گوید: خیار رؤیت فوری است. بلکه ظاهر تذکره عدم اختلاف بین مسلمانان را بیان نموده، غیر از چند نفریکه مدعی تراخی هستند (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۵۸) ماده ۴۱۵ ق.م نیز عنوان می‌دارد: «خیار رؤیت و تخلف وصف بعد از رؤیت «فوری» است» البته منظور از کلمه‌ی «فوری» در ماده‌ی مذکور فوریت عرفی است یعنی مدتی بعد از عقد که دارنده‌ی حق خیار بتواند فسخ را اعلام دارد» (امامی، بی‌تا، ۱، ۴۹۶). بنابراین تأخیر در اعمال خیار موجب سقوط این حق می‌شود. باید گفت در معاملات الکترونیکی هم اعمال خیار رؤیت باید فوری باشد. اما ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی عنوان می‌دارد: در هر معامله از راه دور مصرف‌کننده باید «حداقل» هفت روز کاری، وقت برای انصراف از قبول خود بدون تحمل جریمه یا ارائه دلیل داشته باشد. «در قوانین تجارت الکترونیکی کشورهای مختلف قاعده‌ای به نام «حق انصراف از معامله» وضع شده تا از اشخاصی که به طور معمول کالا را بر مبنای اوصاف آن خریداری می‌کنند، حمایت شود. بر اساس این قاعده خریدار می‌تواند طی مدتی معین، حتی در صورت انطباق کالا و خدمات با شرایط مورد نظر، بدون ارائه دلیل خاص و صرفاً با تقبل هزینه استرداد کالا، معامله را برهم بزند» (آهنی، بی‌تا، ۱) لذا مفهوم واژه

«حداقل» همراه با تعیین مدت هفت روز می‌تواند به این معنا باشد که حق انصراف برای مشتری فوری نیست بلکه می‌تواند با تاخیر صورت گیرد و با توجه به شرایط معاملات الکترونیکی و امکان بروز مشکلات برای متعاملین در مقایسه با معاملات سنتی، اگر خیار رویت با تراخی همراه باشد از باب مشتری‌مداری و یا ایجاد فرصت بیشتر جهت شناخت کاملتر و یا اطمینان از کالای ارسالی برای صاحب خیار نیکوتر است. ضمن اینکه در خصوص تحلیل ماهیت حق انصراف عده‌ای آن را خیار نوین قانونی با احکام خاص دانسته و می‌گویند با توجه به ویژگی‌های معاملات الکترونیکی، قانونگذار این خیار را به نفع مصرف‌کننده تشریح کرده است. همانگونه که در معامله سنتی بدلیل رویت جمیل بن درآج پیرامون خرید و فروش یک قطعه از زمین در جلب منفعت مشتری برخی قایل به که تراخی‌اند.

۷- مسقطات خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی

۷-۱- از دیدگاه برخی فقها شرط سقوط خیار رؤیت در معاملات غیرالکترونیکی جایز است (شاهرودی، ۱۴۱۷، ۲، ۵۰۳). اما در خصوص قرارداد این شرط در معاملات الکترونیکی باید گفت به دلیل ویژگی‌های موجود در این نوع از معاملات که مشتری فقط با چند تصویر، کلیپ و یا فیلم کوتاه از کالا آگاهی می‌یابد و از ابتدا کالا را با تبلیغ، توصیف، فیلم و عکس با ابزارهای پیشرفته الکترونیکی کالا را مشاهده می‌نماید و از جزئیات آن آگاه می‌گردد، در چنین حالتی شرط سقوط این خیار نه تنها باعث ضرر خواهد بود بلکه اگر بگوییم موجب فساد عقد می‌شود وجیه‌تر است. چون اصول مشتری‌مداری آن است که وی به وجود صفات جزئی کالا هم اطمینان پیدا کند و این امر موجب می‌شود تا از هرگونه فریب و ضرر نیز جلوگیری شود. وانگهی شرط سقوط خیار رویت توسط بایع سبب ضرر در معامله بوده گویا بایع بعد از اشتراط سقوط هیچ تعهدی نسبت به وصف نداشته و بیع لازم می‌گردد.

۷-۲- یکی از مسقطات خیار رؤیت، شرط کردن بدل در ضمن عقد است. به این معناکه بایع شرط کند اگر مبیع برخلاف وصف ظاهر شود بدل بدهد. شهید اول قائل به فساد این شرط در معاملات سنتی است (شهید اول، ۱۴۱۷، ۳، ۲۷۶). اما صاحب حدائق معتقد است به دلیل عموم اخبار، این فساد ناشی از مخالفت مذکور است نه صرف شرط بایع بر ابدال (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۹، ۵۹). در این خصوص ماده‌ی ۴۱۴ ق.م. نیز مقرر می‌دارد «... بایع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرر بین طرفین باشد». اما در اشتراط آن در معاملات الکترونیکی؛ با توجه به مفاد مواد ۴۰ و ۴۱ قانون تجارت الکترونیکی به وحدت

موضوع و ملاک قابل اعمال در عقد بوده و باعث سقوط خيار رؤیت می‌شود. مفاد ماده‌ی ۴۰ اینگونه مقرر می‌دارد: «تأمین‌کننده می‌تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف‌کننده وعده کرده است تحویل یا ارائه نماید مشروط بر آنکه قبل از معامله یا در حین انجام معامله آن را اعلام کرده باشد» در ماده فوق قانون‌گذار جایگزینی کالای مشابه دیگر بجای کالای مورد معامله رابه شرط توافق و رضایت قبلی پذیرفته است. هر چند که اشتراط ابدال در صورت ظهور خلاف بعد از رویت، با توافق و رضایت قبلی در ماده‌ی فوق متفاوت است. ماده‌ی ۴۱ همین قانون می‌گوید: در صورتی که کالا یا خدمات تأمین‌شده غیر از موضوع مورد معامله باشد مورد قبول نیست، چون مفادش چنین است: «در صورتی که تأمین‌کننده، کالا یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد را برای مخاطب ارسال نماید، کالا و خدمات ارجاع داده می‌شود و هزینه ارجاع به عهده تأمین‌کننده است» و در بند دوم همین ماده قانون‌گذار در یک صورت جایگزین نمودن را قابل قبول دانسته: «در صورتی که در یک ایجاب و تعهد دیگری باشد و کالا و خدمات ارسالی مذکور چنانچه بعنوان یک معامله یا تعهد دیگری از سوی تأمین‌کننده مورد ایجاب قرار گیرد مخاطب می‌تواند آن را قبول کند»

۳-۷- اسقاط خيار بعد از عقد و قبل از رؤیت: در معاملات سنتی نسبت به جواز اسقاط خيار بعد از عقد و قبل از رؤیت بین فقها اختلاف است صاحب مکاسب معتقد است رؤیت سبب وجود خيار است. لذا اسقاط آن جایز نیست ولی اگر آن را شرط خيار قرار دهیم و سبب آن عقد باشد بعد از اینکه عقد محقق شد اسقاط آن جایز است (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۵۸) اما؛ مصداق اسقاط خيار رؤیت در معاملات الکترونیکی در قبل از رویت فقط کالاهایی هستند که اولاً با ابزارهای الکترونیکی ساده مورد معامله قرار گرفته باشند نه پیشرفته. ثانیاً معامله مذکور با رؤیت در وب سایت یا صفحه مجازی انجام نشده باشد بلکه با توصیف سابق باشد ثالثاً نحوه تأمین آن سنتی باشد نه الکترونیکی با این شرایط طرفین معامله می‌توانند پیش از رؤیت مبیع یا ثمن به اسقاط خيار متعهد شوند. همانطور که طبق نظر اکثر فقها در معاملات غیرالکترونیکی اسقاط بعد از عقد و قبل از رؤیت مانعی ندارد (خویی، ۱۴۱۲، ۷، ۷۳).

۸- سقوط خيار بعد از رؤیت

در معاملات غیرالکترونیکی سقوط خيار بعد از رؤیت توسط بایع یا مشتری دو صورت دارد: صورت اول اینکه صاحب خيار اقدامی برای فسخ عقد نمی‌کند در این صورت چون وی صاحب حق بوده و از این

حق استفاده نکرده تردیدی در اسقاط خیار نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۹۶؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۱۷، ۲۷۶) و صورت دوم اینکه در کالای رؤیت‌شده تصرف می‌کند و چون تصرف دلالت بر رضایت دارد اسقاط خیار محقق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۳، ۸۱؛ روحانی، ۱۴۲۹، ۶، ۶). همان گونه که نوعاً تصرف در دیگر خیارهای موجب سقوط است. براین اساس اگر صاحب خیار در یک معامله الکترونیکی، مثلاً نرم‌افزاری را به صورت آنلاین (بر خط) و یا کالای سخت‌افزاری را با سپری شدن مدت زمانی دریافت نموده و بعد از رؤیت، هیچ اقدامی برای فسخ عقد نکند بنابر قول به فوریت داشتن خیار رؤیت گویا آن را ساقط نموده است و علاوه بر آن بر اساس ماده‌ی ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی که مدت هفت روز را برای انصراف از قبول قراردادده است؛ حال اگر مشتری بعد از دریافت و رؤیت کالا در صورتی که مطابق با اوصاف مقرر در زمان عقد باشد در آن تصرف نیز نموده باشد خیار رؤیت خود را ساقط کرده است.

۹- نتیجه‌گیری

خیار رؤیت در فضای مجازی از جهت عقود مانند فضای سنتی شامل تمام عقود معوض می‌شود و از جهت طرفین معامله؛ بستگی به نوع معاملات دارد اگر در معامله ای مبیع در مقابل مبیع (کالا به کالا) باشد برای هر دو طرف خیار رؤیت امکان‌پذیر است ولی اگر مبیع در مقابل ثمن باشد، فقط برای مشتری حق خیار رؤیت ثابت است. چون وجود روش‌های پرداختی جدید امکان خطا و اشتباه و فریب در پرداخت ثمن را به حداقل رسانده است و از جهت مبیع؛ باید گفت برای آنکه در فضای مجازی خیار رؤیت داشته باشیم مطابق ماده‌ی ۴۱۴ ق.م و ماده‌ی ۴۱ ق.ت.ا. مصادیق آن را باید در عین تشخیص معین بباییم. ویژگی عین تشخیص غایب در فضای مجازی به «ابزارها» و «نحوه تأمین و انتقال» کالا بستگی دارد. اگر معامله با ابزار ساده الکترونیکی انجام شود، وقوع خیار تخلف وصف و رؤیت امکان‌پذیر است ولی اگر با ابزارهای پیشرفته‌تر مانند ویدئو کنفرانس، فیلم‌های چند بعدی و ... انجام شود خیار رؤیت قابل اعمال نیست، چون با نمایش فیلم و تصاویر چند بعدی و ... از یک کالا توصیفی که رافع جهالت باشد مورد پیدا نمی‌کند زیرا جایگزین مشاهده بوده و طرف مقابل از زوایای مختلف کالای مورد نظر آگاهی کامل پیدا می‌کند و همینطور اگر «تأمین کالا» به صورت آنلاین (بر خط) باشد خیار رؤیتی وجود ندارد چون عین تشخیص باید غایب باشد در صورتی که در این روش از معامله، کالا بلافاصله حاضر می‌شود ولی اگر «تأمین کالا» به صورت غیرالکترونیکی یا سنتی صورت گیرد هم خیار رؤیت و هم خیار حق انصراف قابل اعمال

هستند. بنابراین توصیف کالا با امکانات فنی پیشرفته مشاهده بحساب می‌آید و در پی آن انتقال مبیع به صورت الکترونیکی رؤیت سابق نیست بلکه رویت فعلی است. مبدا و شروع خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی از زمان تحویل کالا و رؤیت آن می‌باشد نه صرفاً رؤیت آن و همچنین موارد اسقاط خیار رؤیت غالباً مانند مسقطات در معاملات سنتی می‌باشد. یعنی می‌توان از لحاظ «تأمین کالا» منوط به عدم اشتراط معامله به مسقطات خیار، به قابلیت اجرایی خیار رؤیت در معاملات الکترونیکی قائل شد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر، بیروت.
- ۳- اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲)، مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآن، دار العلم الدار الشامیه، لبنان.
- ۵- امامی، سید حسن، (بی‌تا)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران.
- ۶- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، المکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
- ۷- بحرانی، آل عصفور یوسف، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، دفتر انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، مجموعه محشی قانون مدنی، گنج دانش، تهران.
- ۹- حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- ۱۰- حلّی، محقق نجم الدین، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
- ۱۱- حلّی، علامه حسن بن یوسف مطهر اسدی، (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- ۱۲- حلّی، علامه حسن بن یوسف مطهر اسدی، (۱۴۱۹)، نهایه الاحکام فی معرفه الأحکام، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
- ۱۳- حلّی، علامه حسن بن یوسف مطهر اسدی، (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- خراسانی، آخوند محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۶)، حاشیه المکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- ۱۵- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (۱۴۲۱)، البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران.
- ۱۶- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۲)، مصباح الفقاهه (المکاسب)، نشر دارالهادی، قم.
- ۱۷- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهه، انوار الهدی، قم.
- ۱۸- روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲)، فقه الصادق علیه السلام، دار کتاب مدرسه امام صادق علیه السلام، قم.
- ۱۹- زرگر، محمود، (۱۳۸۰)، مدلهای راهبردی و راهکارهای تجارت در اینترنت، نشر بهینه، تهران.
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها، میزان، تهران.
- ۲۲- طاهری، حبیب‌الله، (۱۴۱۸)، حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۳- طباطبایی، سید محسن، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، التعارف للمطبوعات، بی‌جا.
- ۲۴- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المیسوط فی فقه الإمامیه، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، تهران.
- ۲۵- عاملی، شهید اول محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۶- عاملی، شهید اول محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه، دار التراث الإسلامیه، بیروت.
- ۲۷- عاملی کرکی، محقق ثانی، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم.
- ۲۸- فیض، علیرضا، (۱۳۸۲)، مبادی فقه و اصول، دانشگاه تهران.
- ۲۹- قرشی، سید علی‌اکبر، (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
- ۳۰- قیم، عبدالنبی، (۱۳۸۷)، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران.
- ۳۱- طکابلی، محمد اسحاق فیاض، (بی‌تا)، منهاج الصالحین (للفیاض)، بی‌جا.
- ۳۲- کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۹۱)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، گنج دانش، تهران.
- ۳۳- مصطفوی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۳)، فقه المعاملات، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۴- نجفی، حبیب‌الله، (۱۴۰۷)، فقه الإمامیه، کتابفروشی داوری، قم.
- ۳۵- نجفی، کاشف‌الغطاء، (۱۴۲۲)، شرح خيارات اللغه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۶- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

- ۳۷- نراقی، محمد مهدی، انیس التجار، (۱۴۲۵)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۸- نیکبخش، محمدحسن و آذر صابری، مهدی، (۱۳۸۰)، آشنایی با تجارت الکترونیک و زیرساخت‌های آن، بی‌جا.
- ۳۹- موسوی بجنوردی، حسن، (۱۴۰۲)، القواعد الفقهیه، چاپ افست، قم.
- ۴۰- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۳۶۲)، مجمع‌الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان، جماعه‌المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۴۱- مشکینی، میرزا علی، (۱۳۷۹)، اصطلاحات الأصول، نشر الهادی، قم.
- ۴۲- مظفر، محمدرضا، (بی‌تا)، اصول الفقه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- ۴۳- ملا محسن، فیض کاشانی، (۱۴۱۸)، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی، قم.
- ۴۴- موسوی همدانی، سید محمدباقر، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- ۴۵- نجوانی، نعمت‌الله بن محمود، (۱۹۹۹)، الفواتح الالهیه و المفاتیح الغیبیه، دار رکابی للنشر، مصر.
- ۴۶- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران، (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، قم.
- ۴۷- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران، (۱۴۱۷)، معجم فقه الجواهر، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت.
- ۵۰- عبدی‌پور، ابراهیم، (۱۳۸۹)، تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی، مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۶.
- ۵۱- برازنده‌تر، علیرضا، (۱۳۸۰)، کارت‌های الکترونیکی در اقتصاد نوین، مجله حسابداری، پیام بانک، شماره ۲۹۸.